

هوشنگ فرزانی

وکیل دادگستری

ترجمه از جلد دوم مجموعه حقوق جزا و علوم جنائی تألیف
Pierre Bouzat رئیس مجمع بین‌المللی حقوق جزاء و
Jean Pinatel بازرس کل اداری و رئیس کمیسیون علمی
و دبیر کل افتخاری مجمع بین‌المللی علوم جنائی.

(اجرای قوانین جزائی در مکان)

حقوق جزاء بین‌الملل

L'application Des Lois Pénal Dans L'espace
(Le Droit Pénal International)

حقوق جزای بین‌الملل و سه شعبه‌ای که از آن منشعب میشوند عبارتند از:
۱- حقوق جزای بین‌الملل اختصاصی (حقوق جزای بین‌الملل خصوصی).
Droit pénal international Stricto-Censu
(droit pénal international privé.)

Droit international pénal

۲- حقوق بین‌الملل جزائی.

Droit pénal interétatique

۳- حقوق جزای بین دول.

اجرای قوانین جزائی در مکان در همه موقع مشکلات شدید و دقیقی را
برانگیخته و امروزه علمی که سعی آن معطوف به حل این معضلات است بطور کلی
حقوق جزای بین‌الملل (بمعنای وسیع) نامیده میشود.

حقوق جزای بین‌الملل با در نظر گرفتن مفهوم وسیع آن شامل شعب یاد شده
است و وجود عنصر خارجی که در آن فرض شده اختلافات مهم و پیچیده‌ای را ممکن
است خواه در روابط نظام فردی و خواه در روابط بین دولتها ایجاد کند.

در مورد اول سخن از حقوق جزای بین‌الملل اختصاصی (که بعضی از

حقوق دانان آنها حقوق جزای بین الملل خصوصی نیز میگویند) بمیان می آید.
در مورد دوم سخن از حقوق بین الملل جزائی (بعلت اینکه در نظر اول روابط
حقوق بین الملل عمومی متجلی و ظاهر میشود) سخن به میان می آید. این حقوق
بین الملل جزائی موقعیکه مسئولیت دول یا مسئولیت مهم و دسته جمعی (مشترک
دول) مستقیماً مورد بحث واقع میشود شامل شعبه ایست که بنام حقوق جزای بین
دول موسوم است.

۱- حقوق جزای بین الملل اختصاصی (حقوق جزای بین الملل خصوصی)
این حقوق اختلافات و تعارض قوانین جزائی را که مربوط به جرائم کلاسیک
ارتكابی بر علیه نظم داخلی بوده و نیز شامل يك یا چند عنصر خارجی بر حسب
موارد ذیل باشند حل و فصل مینماید.

مثلاً زانیگی و تعیین تابعیت فاعل جرم یا تابعیت معاون جرم یا شریک جرم،
تابعیت يك یا چند نفر از مجنی علیه ها و نیز تعیین سرزمینی که در روی آن رفتار
مجرمانه (بطور کامل یا بعضی از آنها) ارتكاب یافته یا نتایج آن جرائم (بطور کامل
یا قسمتی از آنها) در آن سرزمین حاصل شده باشند رسیدگی مینماید.

این شعبه از حقوق که از قدیم حقوق جزای بین الملل از آن نام برده اند
بهیچوجه شایسته چنین توصیف بین المللی نیست زیرا اختلافاتی را که باید این
حقوق آنها را حل کند فقط جنبه خارجی بودن را داراست ولی جنبه بین المللی بودن
را فاقد است چون در این حقوق مقرراتی که باید این اختلافات را حل کنند منحصرأ
به مقررات و قوانین ملی (داخلی) احاله شده اند. در حقیقت خود را با شعبه ای از
حقوق جزای داخلی (ملی) مواجه می بینند بهمین دلیل هم اکثر حقوق دانان پیشنهاد
میکنند که نام آن حقوق جزای بین الملل خصوصی نام گیرد.

۲- حقوق بین الملل جزائی

این حقوق اختلافات موجود بر علیه نظم عمومی بین الملل را حل و فصل
می نماید که خاصیت اصلی آن اختصاص به مناسبات و روابط بین دول است
بنابراین این حقوق در چهارچوب حقوق بین الملل عمومی قرار دارد. چون اساس
این اختلافات و برخوردهای بین المللی از عمل اشخاصی ناشی میشود که اعمالی
برخلاف حقوق بین الملل عمومی و بخصوص حقوق ملل مرتکب شوند (مثلاً جنایات
جنگی) مقرراتی که اینگونه کشمکش های بین المللی را حل و فصل میکند همان است
که بنام حقوق بین الملل جزائی اختصاصی نامیده میشود.

۳- حقوق جزای بین دول

هنگامیکه اعمال ممنوعه ناشی از دستورات و فرامینی باشند که از طرف
دولتها و بنام آنها صادر شده یا مربوط به انجام قسمتی از سیاست و هدف منظمی

باشد که باید بنام دولت تعقیب شود (مثلا فرمان شروع جنگ) در این صورت است که به چهارچوب حقوق جزای بین دول وارد میشوند (بنابراین مرز و حدفاصل بین حقوق بین الملل جزائی اختصاصی و حقوق جزای بین دول را بنحو مطلقاً قاطع نمیتوان تعیین نمود) در اینجا مسئولیت جزائی مورد بحث، مسئولیت جزائی دولت مهاجم است که میتوان آن مسئولیت را خواه بشکل مسئولیت رهبران و خواه بشکل مسئولیت خود دولت (بطورکامل یا حداقل مسئولیت عده‌ای از گروهها و سازمانهای داخل يك دولت بطور مسئولیت مشترك (دستجمعی) مطرح نمود.

بعضی از حقوق دانان برای تعریف حقوق جزای بین الملل دو تقسیم بندی را مرجح دانسته اند که یکی بنام حقوق جزای جرائم برضد نظم عمومی داخلی و دیگری بنام حقوق جزای جرائم برعلیه نظم عمومی بین الملل یا (جرائم حقوق داخل در منافع بین الملل) توصیف شده اند این تقسیم بندی هرچند از لحاظ نامگذاری ظاهراً با تقسیم بندی های قبلی فرق دارد ولی در حقیقت با آنها مشابهت تام دارد.

موقعیت و اهمیت سه شعبه از حقوق جزای بین الملل

سه شعبه یاد شده از حقوق جزای بین الملل در این دهه های اخیر از موقعیت و اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

الف - آنچه که به حقوق جزای بین الملل اختصاصی (حقوق بین الملل جزائی خصوصی) مربوط است: این پدیده و نیاز حقوقی از توسعه و بسط جرائم بین المللی سرچشمه می گیرد چون تسهیل روزافزون ارتباطات موجب شده که جرائم ارتكابی از ناحیه اتباع يك دولت در خارج از مرزهای توسعه یابد و موجب شده که مجرمین و بزهکاران به آسانی پناهمگانهائی در کشورهای دوردست بیابند و همچنین گروهی جنایتکاران بین المللی که بطور نیرومندی سازمان یافته اند جرائم وحشتناکی از لحاظ اخلاقی و نظم عمومی جهانی (نظیر دادوستد زنان و اطفال، چاپ اسکناسهای تقلبی، قاچاق مواد مخدر و تروریسم) مرتکب شوند اعضاء این گروه ها در کشورهای مختلفه به دستجات مختلف تقسیم شده و در همه جهان پراکنده گردیده و از جنایتکاران فوق العاده وحشتناکی هستند که اکثر آنها حتی بزهکارانی حرفه ای و متخصص و تعلیمات دیده ای هستند که بنام جنایتکاران با فعالیت گسترده در جهان نام گرفته اند.

ب - آنچه که به حقوق بین الملل جزای اختصاصی و حقوق جزای بین دول مربوط میشود: این پدیده حقوقی به همان اندازه که ناشی از توسعه جنگها و بیدادگریهای قساوت آمیز ناشی از آنها است به همان اندازه نیز به تجاوز و منافع دولتها توسط دولتهای دیگر یا به تحریکات عده ای از دول برعلیه دول دیگر در هنگام خصومتها و برخوردهای مسلحانه بدون اعلام ارتباط دارند (برخورد

مسلحانه زمینی - هوایی - دریائی و جنگهای سرد).

جنگ جهانی ۱۹۱۴ بخصوص جنگ ۱۹۳۹ از لحاظ طول مدت و دوام و نیز از لحاظ شدت نسبت به جنگهای سابق که در جهان رخ داده بکلی بیسابقه بوده و موجب شد که يك از همپاشیدگیهای قساوت‌آمیز در آن بوقوع پیوندد که نه تنها جنگجویان در مقابل یکدیگر ابراز داشته‌اند بلکه این شقاوتها را برای مردمان غیرنظامی کشورهای اشغال شده نیز اعمال نموده‌اند: کشتارها - تجمیدها - تیرباران‌ها - گروگان‌گیری‌ها و غارت ملت‌ها و غیره را مرتکب شده‌اند ولی این رفتارهای مخالف حقوق بین‌الملل نه تنها در زمان جنگهای مسلحانه ارتکاب یافته‌اند بلکه این اعمال در زمان اختلافات و برخوردهای بدون اعلام جنگ نیز تاکنون ارتکاب یافته و می‌یابند و در آتیه هم ارتکاب خواهند یافت.

در بین اعمال مجرمانه باید رقابتهای اقتصادی يك دولت بر علیه دولت دیگر بمنظور تخریب اوضاع داخلی او و نیز توهین و هتک حرمت دولتی نسبت به دولت دیگر که در سطح بین‌المللی ارتکاب یابند و نیز قاچاق بین‌المللی که بطور منظم توسط يك دولت بر علیه دیگری انجام میشود، اعمال راه‌زنی دریائی که بطور منظم نسبت به کشتی‌ها و سفاین دولت دیگر بعمل می‌آید، ساخت پولهای تقلبی يك کشور توسط کشور دیگر یا حداقل تسهیل این عمل از طرف دولتی بر علیه دولت دیگر بمنظور لطمه زدن به اعتبار آن دولت انجام می‌یابد همه را باید بحساب آورد.

مسائل اساسی که توسط سه شعبه از حقوق جزای بین‌الملل مطرح شده‌اند. این مسائل را میتوان تحت چهار عنوان ذیل که مسئله دوم نیز منشعب از آنهاست مطرح نمود - سه مسئله اولیه به حقوق جزای بین‌الملل اختصاصی مربوط هستند، مسئله چهارم نیز به حقوق بین‌الملل جزائی و حقوق جزای بین دول و بطور فرعی نیز به حقوق جزای بین‌الملل اختصاصی مربوط است.

۱- قاعده (روش) صلاحیت قانون‌گذاری و قضائی

موضوع عبارت از این است که بدانیم آیا قانون جزائی و دستگاه قضائی يك کشور معین برای کلیه اعمال جرم‌آمیزی که در داخل سرزمین این دولت که توسط کلیه افراد این دولت ارتکاب یافته‌اند جاریست و نیز باید بدانیم آیا میتوان این قوانین را به جرائمی هم که در خارج توسط اتباع این کشور ارتکاب یافته و حتی به جرائمی هم که از طرف يك خارجی بر علیه اتباع این کشور ارتکاب یابد تسری داد؟

۲- تعاون کیفری: آئین دادرسی جزای بین‌الملل

این کافی نیست که دادگاهها و قوانین ذیصلاحیت تعیین شود در معین حال باید تجسس و بازداشت بزهکاران را که به کشورهای بیگانه پناهنده شده‌اند تأمین نمود و از اینجاست که ضرورت تأسیس تعاون و همکاری پلیس بین‌المللی احساس

میشود؛ در عین حال باید به سازمانهای قضائی مختلف هرگونه اطلاعاتی را که احتیاج دارند در اختیارشان قرار داد. این اطلاعات خواه بوسیله احاله کار به دستگاههای قضائی دیگر و خواه بوسیله ارتباطات و روابط اطلاعاتی، خواه بوسیله مواجهه بزهکاران و استماع شهادت شهود تأمین میشود، از اینجاست که ضرورت ایجاد يك سازمان تعاون قضائی بین المللی احساس میشود و بالاخره باید به تسلیم بزهکاران به همان دستگاه قضائی که برای رسیدگی بجرم صالحتر بوده و بهتر احقاق حق را تأمین میکند اقدام نمود و از اینجاست که ضرورت استرداد مجرمین احساس میشود. مقررات مربوط به همکاری پلیس بین المللی و تعاون قضائی بین المللی و استرداد مجرمین قسمتی از حقوق جزای بین الملل را تشکیل میدهد که آن را بنام آئین دادرسی جزائی بین الملل می نامند.

۳- آثار و نتایج تصمیمات و آراء جزائی خارجی

موضوع عبارت از این است که دانسته شود آیا ارزش تصمیمات و آراء جزائی صادره در يك کشور فقط محدود به سرزمین آن دولتی است که این احکام بنام آن دولت صادر شده یا اینکه بعکس این احکام در خارج از کشوری که صادر شده اند آثار منفی زائل کننده دارند (بدین معنی که این تصمیمات و آراء در کشور دیگر نیز مانع رسیدگی مجدد در همان موضوع است) در عین حال این احکام آثار مثبت و قطعی کننده دارند بدین معنی که در کشورهای دیگر نیز بخصوص از لحاظ عدم اهلیت یا تکرار جرم یا تبعید یا تعلیق مجازات اعتبار دارند.

۴- تأسیس يك دادگاه جزائی بین الملل و تدوین قوانین و مقررات حقوق جزای بین الملل

بهتر این است که امکانات تأسیس يك دادگاه جزای بین الملل که برطبق مقررات تدوینی حقوق جزای بین الملل بمعنی وسیع قضاوت کند مورد بررسی قرار گیرد و این هدف موقعی میسر است که بتوان حقیقتاً سخن از يك حقوق جزای بین الملل بمعنی وسیع که بین همه ملت ها یا حداقل بین اکثر آنها مشترك باشد سخن بمیان آورد.

تحول و تطور عقاید و نظراتی که برای حل اینگونه مسائل رهنمون بودند. توسعه و افزایش روزافزون و ناراحت کننده رفتارهای مجرمانه که مربوط به حقوق جزای بین الملل واقعی است موجب جنبش وسیع و همه جانبه عقاید و نظراتی شد و در نتیجه به تفاهم و هماهنگی بین دول و تجویز مجازات آن جرایم منجر گردید و قبل از همه این امر ضروری و لازم است که دولتها دیگر به اصول تقریباً کهنه حاکمیت مطلق دول پایبند نبوده و آنها دست آویز قرار ندهند تا در نتیجه سدها و موانع قضائی موجود بین دول درهم شکنند و بالنتیجه مجازات بصورت بین المللی درآید، بدین معنی که بالاخره يك حقوق جزای بین الملل بمعنی واقعی

بوجود آید و شامل اصول و مقررات مشترکی باشد که حتی الامکان توسط بیشتری از دول مورد قبول واقع شده باشد و ما آنها را در ۲ فصل مهم قبلا بیان کردیم و معتقدیم که این تحرك فکری در عمل به نظرات زیر باید معطوف باشد:

الف - صلاحیت دستگاه قضائی و محاکم دولتها افزایش یابد تا هر يك بتوانند به تعداد زیادی از جرائم ارتكابی در خارج از مرزهای خود رسیدگی و قضاوت کنند.
ب - در کلیه کشورها به آراء صادره از دادگاههای يك کشور معین ترتیب اثر داده شده و آنها معتبر بدانند.

ج - تأسیس يك دادگاه جزای بین الملل و تدوین مقررات حقوق جزای بین الملل به معنای واقعی - این تحول فوق العاده مهم تحت تأثیر تألیفات انترناسیونالیست ها و اهداف و مقاصد کنگره ها تعقیب شد و موجب گردید که قراردادها و مقاوله نامه های بین المللی در تحت نظارت سازمان ملل و ملل متحد و اخیراً توسط شورای اروپائی انعقاد یابد.

متأسفانه پیشرفت حقوق بین الملل جزائی و بخصوص پیشرفت حقوق جزای بین دول، با اینکه مورد علاقه همگان و مطمح نظر و کمال مطلوب آتیه بشریت است در حال حاضر بعلت برخوردها و مناقشات ایدئولوژیک که دنیا را تقسیم و موجب تشدید و تحکیم نظریه حاکمیت مطلق دول گردیده، سد شده است حتی در دولتهائی که دارای تمدن و فرهنگ مشابه و نزدیک بهم هستند نظیر کشورهاییکه شورای اروپائی را تشکیل میدهند این نظریه حاکمیت از اهمیت فوق العاده برخوردار است، بنابراین اگر حقوق جزای بین الملل اختصاصی در کلیه کشورها بطور وسیعی معمول شده بعلت این است که استقرار مقررات حقوق مثبت ملی بمنظور حل اختلافات صلاحیت و تأمین همکاری و تعاون کیفری لازم و ضروری بوده ولی حقوق بین الملل جزائی و حقوق جزائی بین دول از لحاظ پیشرفت چه از لحاظ تأسیس سازمانهای تعقیب و مجازات و چه از لحاظ سازمان و دستگاه قضائی هنوز در مرحله ابتدائی هستند.

قاعده صلاحیت قانون گذاری و قضائی و روابطشان با کشورهای بیگانه

پیوستگی و رابطه صلاحیت قانون گذاری و صلاحیت قضائی

به اتفاق آراء این موضوع مورد قبول همگان است که صلاحیت قانون گذاری و صلاحیت قضائی در زمینه حقوق جزای بین الملل از یکدیگر غیر قابل تفکیک و جدانشدنی میباشد: بدین معنی که صلاحیت قانون گذاری يك کشور تعیین کننده صلاحیت دادگاههای جزائی این کشور نیز هست.

۱- سیستم های امکان پذیر

سه سیستم مهم برای قانون گذاری امکان پذیر بنظر میرسد:

الف - سیستم سرزمینی بودن قوانین جزائی

این سیستم که امروزه فوق‌العاده مورد بحث و گفتگو است از اصل حاکمیت مطلق دول سرچشمه گرفته یعنی در اینجا قانون جزا در اصل «سرزمینی» است بدین معنی که قلمرو آن قانون محدود به سرزمین دولتی است که باید در محدوده آن دولت بمرحله اجراء درآید، در نتیجه این قانون در مورد کلیه ساکنین آن سرزمین بدون توجه به تابعیت آنها در صورتیکه جرمی در آن سرزمین مرتکب شوند جاری است ولی در خارج از محدوده آن سرزمین جاری و لازم‌الاتباع نمیباشد.

ب - اصل شخصی بودن قوانین جزائی

این سیستم به دو اصل منشعب میشود که ممکن است به تنهایی یا توأماً باهم قابل اجرا باشند:

۱- اصل شخصی بودن فاعل (شخصی بودن فعال):

بدین معنی که صلاحیت قانونگذاری و قضائی يك دولت نسبت به اتباع آن دولت که در خارج از کشور جرمی مرتکب شده‌اند جاریست.

۲- اصل شخصی بودن مفعول (شخصی بودن غیرفعال) در این اصل صلاحیت قانون گذاری و قضائی يك کشور در مورد اتباع او که از يك جرم ارتكابی در خارج مجنی- علیه واقع شوند تسری و گسترش داده شده است.

ج- اصل جهانی حق مجازات (هنوز بنام اصل مجازات جهانی نامیده میشود)

این اصل که کمترین ابهامی در آن نیست بمنظور تأمین جهانی کردن مجازات بوده و صلاحیت قاضی محل دستگیری را صرفنظر از تابعیت مجرم و یا تابعیت مجنی‌علیه و یا صلاحیت محلی را که جرم در آن محل واقع شده تجویز مینماید. بدین ترتیب ملاحظه میشود این سیستم تحت ظواهری چند بنظر میرسد چون برای عده‌ای صلاحیت جهانی فقط باید در مورد بعضی از انواع جرائم خیلی شدید (خوشبختانه کم و بیش جرائم حقوق ملل نامیده شده‌اند) که با لطمه زدن و تجاوز به منافع عمومی و مشترك کلیه کشورهای متمدن مشخص شده‌اند اجراء شود (از قبیل راهزنی دریائی، ساخت پولهای تقلبی، دادوستد زنان و اطفال، قاچاق مواد مخدر...).

سیستم صلاحیت بوسیله نمایندگی

در این اصل يك دولت قادر خواهد بود قردی را که در سرزمین دولت دیگر جرمی مرتکب شده ولی در سرزمین او بازداشت شده تعقیب جزائی نماید مشروط بر اینکه دولت دومی (دولتی که جرم در سرزمین او واقع شده) این تقاضای تعقیب را از او بخواهد در اینجا گفته شده در صورت دولت اول بعنوان نمایندگی دولت دوم

اقدامات تعقیبی را بعمل می‌آورد. این اصل که موجودیت آن بعنوان اصل مستقل مورد اعتراض واقع شده با اصل جهانی حق مجازات فرق دارد، بدین معنی که صلاحیت توسط نمایندگی مشروط و مقید باین شرط است که دولت دیگری تقاضای تعقیب جزائی را بنماید در حالیکه صلاحیتی که براساس اصل جهانی استوار است تقریباً مستقل و بی‌نیاز از تقاضای دولتی میباشد که به تقاضای تعقیب مبادرت مینماید.

برتری سیستم سرزمینی بودن قوانین جزائی

اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی بعنوان اصل کلی تقریباً در کلیه قانون-گذاری‌ها بخصوص در قانونگذاری فرانسه بمرحله اجرا درآمده است. سیستم شخصی بودن قوانین پس از اینکه مدت مدیدی بعنوان اصل کلی در بعضی از کشورهای عقب‌افتاده (کشورهای کاپیتولاسیون) اجرا شده ولی اکنون در قوانین کشورهای پیشرفته بخصوص در کشور فرانسه دیده نمی‌شود مگر بعنوان استثناء.

اصل صلاحیت توسط نمایندگی در مقرراتی مجزاء و جدا از قوانین جزاء اجرا شده است یعنی اجرای این اصل موکول به اختصاص دادن و قید آن در مقاوله - نامه‌های بین‌المللی است نظیر کشورهای سویس - آلمان - آرژانتین و برزیل. این اصل اخیراً در مقاوله‌نامه اروپائی که برای مجازات جرائم ارتكابی در جاده‌ها گنجانیده شده است در ماده سه آن اعلام میدارد: (مقامات دولت مقیم محل اقامتگاه) صلاحیت تعقیب جرائمی را که در جاده‌های سرزمین این دولت ارتكاب یافته‌اند (میباشند) همانگونه که مورد آرزوست امید است که در مقاوله‌نامه‌های جدید اروپائی که در زمینه قوانین جزائی منعقد گردیده‌اند اهمیت بسزائی برای صلاحیت بعنوان نمایندگی قائل شده باشند.

در مورد سیستم اصل جهانی حق مجازات با اینکه این اصل برای خیلی‌ها يك اصل ایده‌آل و کمال مطلوب است معیناً تمیم این اصل مستلزم این است که بین دولتهائی که میخواهند این اصل را بین خود اجراء کنند نه تنها از لحاظ تمدن و فرهنگ مشترك بوده بلکه باید بین آنها تفاهم اطمینان بخشی نیز موجود باشد که متأسفانه عملی شدن آن در آتی هم قابل پیش‌بینی نیست و انگهی معتقدند این اصل را باید بعنوان يك اصل جنبی یا مکمل مورد استفاده قرار داد بنابراین توسل به اجرای روش استرداد مجرمین مرجع براین اصل بنظر میرسد چون با قائل شدن صلاحیت برای قاضی سرزمینی که بهتر برای ردیابی و شناسائی جرم صلاحیت بیشتری دارد استرداد مرجع است و انگهی اصل جهانی توسط عموم و اکثریت ملت‌ها پذیرفته نشده مگر در مورد بعضی از جرائم خیلی شدید که با منافع مشترك اکثریت کشورهای متمدن ارتباط دارد و در شماره قبل این جرائم توضیح داده شده‌اند و دولتها مجبور شدند که قراردادهای بین‌المللی برای تعقیب و مجازات اینگونه جرائم بین خود منعقد نمایند.

توجیه اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی

اجرای این اصل عملاً اشکالات مهمی را موجب می‌شود معیناً این اصل طبق معمول به سه دلیل مهم قابل توجیه و قابل قبول است:

الف - فائده اجتماعی

چون در محدوده سرزمینی که جرم در آن ارتکاب یافته و بی‌نظمی اصلی در آن بوقوع پیوسته منفعت اجتماعی اقتضا دارد که مجازات و عقاب در همان محلی که نظم اجتماعی مختل گردیده بعمل آید.

ب - امکان اینکه بهتر بتوان عدالت را اجراء و احقاق حق را تأمین نمود

این محل وقوع جرم است که در آن احقاق حق به بهترین وجهی تأمین می‌شود زیرا آنجا محلی است که بطور کلی وسایل اثبات جرم (بخصوص دلائل و شواهد) در آن محل یافت می‌شود و اگر قرار باشد که وسایل اثبات و دلائل جرم از کشوری که جرم در آن ارتکاب یافته بجای دیگری برده شود این موضوع با اشکالات و اختلافات مهمی همراه خواهد بود.

ج - حقوق فردی به بهترین نحوی تضمین می‌شود.

می‌توان چنین فرض نمود متهم در حالیکه کشوری را برای ارتکاب جرم انتخاب می‌کند او در عین حال امیدوار است که قوانین همین کشور در مورد او اجراء شود.

بخش اول - سیستم سرزمینی بودن قوانین جزاء در قانون گذاری فرانسه

متون: قاعده سرزمینی بودن قوانین جزائی هرگز بعنوان يك قاعده کلی در قانون آئین دادرسی کیفری صریحاً بیان نشده، همانگونه که در قانون تعلیمات (بازپرسی) جنائی هم ذکری از آن اصل بمیان نیامده است ولی بر طبق عبارت ماده سوم بند اول قانون مدنی که می‌گوید «قوانین پلیس و امنیت همه کسانی را که در سرزمینی سکونت دارند ملزم می‌کنند» همانگونه که مورد قبول همگان است چنین استنباط کرد که این تعریف شامل قوانین جزائی هم می‌شود چون اگر قوانین جزاء را در ردیف قوانین پلیس نتوان محسوب داشت حداقل در ردیف قوانین امنیتی هستند (بنابراین اصل سرزمینی بودن به قوانین جزاء هم تسری داده شده - مترجم)

از سوی دیگر مواد ۶۸۹ تا ۶۹۶ قانون آئین دادرسی کیفری (بخصوص مواد ۶۹۰ و ۶۹۳) با تعیین جنایات و جنحه‌های ارتکابی در خارج، بطور ضمنی اصل سرزمینی بودن را پذیرفته است.

الف - مفهوم اصطلاحات (سرزمین) و (مقیم):

با تعریف سرزمین باید تصور نمود که اولاً سرزمین واقعی (محلپائی است که

بین سرحدات محصور باشند) یعنی سرزمینهای کشور و سرزمینهای ماوراء بحار (ایالات و مجتمع کشورهاییکه در آنها اکثر قوانین ما (فرانسه) قابل اجرا بوده یعنی قوانین و حقوق محلی جاری را تکمیل مینمایند) این سرزمین واقعی همچنین خاک، زیرخاک، و قسمتی از آتمسفر بالای سرزمین را نیز شامل میشود.

ثانیاً - سرزمین فرضی: یعنی آبهاییکه جزء سرزمین محسوباند یعنی تا حدود سه میل دریائی که عبارت از ۵۵۵۲ متر است و نیز کشتیهای کشور فرانسه را شامل میشود.

ب: مقیم: (ساکن)

اطلاق بیان لفظی مقیم به افرادی است که در سرزمینی معینی سکونت اختیار کرده‌اند، و این بیان را میتوان چنین توجیه نمود که قانونگذار اقامتگاه فعلی مرتکبین جرائم یا فقط بطور ساده عبور آنها را از سرزمین ما (فرانسه) در نظر گرفته این مسئله مهم نیست آن چیزی که بعاثر اهمیت است این است که شخص را بتوان بموجب قانون فرانسه مجازات نمود، یعنی حتماً لازم نیست که اقامتگاه او در فرانسه باشد بلکه مهم آن است که جرم در خاک فرانسه ارتکاب یافته باشد.

تقسیم: اجرای سیستم سرزمینی بودن قوانین جزائی در فرانسه سه نوع اشکال بصورت ذیل ایجاد نمود:

۱- تعیین محل وقوع جرم.
۲- استثنائاتی که موجب گسترش این اصل میشود (گسترش استثنائی این اصل).

۳- استثنائاتی که موجب محدود شدن این اصل میشود (تحدید استثنائی این اصل).

که ما آنها را در سه بخش مورد مطالعه قرار میدهم.

بخش دوم: تعیین محل وقوع جرم

اشکالی که هنگام اجرای قانون آئین دادرسی کیفری پیش میآید: موضوع بطور آزمایشی در رویه قضائی تعیین گردیده و اینک راه حل های اساسی که پیش از پیش متمایل و مساعد به صلاحیت فرانسه گردیده بیان میشود:

الف: جرائم آبی

۱- جرائم بسیط (ساده): مسئله باین صورت مطرح میشود که وقتی نتایج و آثار جرم در محلی غیر از محلی باشد که فاعل هنگام ارتکاب عمل بوده است، مثلاً در مورد عامل يك قتل یا سبق تصمیم: شخص عامل در مرز بلژیک نزدیک مرز فرانسه بایک گلوله تفنگ رقیب خود را که در خاک فرانسه است مجروح میکند مجروح در کشور لوگزامبورک تحت درمان قرار گرفته و در آنجا میمیرد آیا در اینجا

دادگاه صلاحیت‌دار محکمه محل تیراندازی (بلژیک) است یا محلی که هدف فوری (فرانسه) در آنجا بوده یا محلی که نتیجه جرم در آن محل حاصل شده است (کشور لوکزامبورگ)؟ رویه قضائی فرانسه صلاحیت هیچکدام از این سه محل را بردیگری برتر ندانسته و ترجیح بدان قائل نشده بلکه هرکدام از آنها را برطبق ضرورت مجازات، صالح دانسته مثلاً در صورتیکه قتل توأم با بی‌احتیاطی باشد صلاحیت محل ارتکاب عمل را قبول کرده در مورد جرائم مطبوعاتی صلاحیت دادگاه محلی را که جرم در آنجا نتیجه داده پذیرفته و صلاحیت محاکم فرانسه را در صورتی قبول کرده که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده جرم در سرزمین فرانسه باشد این راه حل اخیر با راه‌حلی که توسط انستیتوی حقوق بین‌الملل (مجمع کمبریج ۱۹۵۱) در قبال دادگاه دائمی عدالت بین‌المللی در دعوی لوتوس (Lotus) پذیرفته مطابق است آقای دن‌دیو و وابر M. Donnedieu de Vabres محلی را که جرم ارتكابی در آن محل بوقوع پیوسته ترجیح داده و کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی لاهه سال ۱۹۲۳ آنرا تأیید و معتقد است که در محل وقوع عمل بهترین دلائل و شواهد عموماً جمعند با این عبارت «پس این همان جایی است که فی‌الواقع بطور کلی هنوز دلائل و شواهد و آثار فعالیت مجرمانه وجود داشته و دارند تا حدودی که بتوان فاعل رفتار مجرمانه را که اساساً منظور هم‌کشف اوست شناخت، آثار و دلائلی که میتوان از محل نتایج حاصله از جرم بدست آورد هرچند از لحاظ کشف واقعیت امر و وسعت آثار ناشیه از جرم مهم است ولی از لحاظ استفاده آنها برای استقرار مسئولیت و توجه اتهام، کافی و وافی بنظر نمیرسد؛ در مورد دلائل بدست آمده از محل هدف جرم از نقطه نظر اثبات جرم و توجه اتهام هیچگونه فایده‌ای ندارد».

ب - جرائم مختلط (مرکب)

رویه قضائی همچنین صلاحیت دادگاههای فرانسوی را در مورد اجرای قوانین فرانسه از لحظه‌ای که یکی از اعمال در سرزمین فرانسه ارتکاب یابد پذیرفته، دیوان تمیز معمولاً با توجه به امر کلاه‌برداری چنین اظهار نظر مینماید «خواه صحنه‌سازی - های متقلبانه، خواه بدست آوردن نقود و مال در خاک فرانسه تحقق یافته باشد محاکم فرانسه صلاحیت رسیدگی دارند».

ج - جرائم غیر قابل تقسیم (متصل)

باینکه در بعضی از انواع این‌گونه جرائم اغلب بطور محدود تعیین و نشان داده شده‌اند ولی رویه قضائی در این مورد صلاحیت دادگاههای ما را (فرانسه) از

1) V. le texte de l'arrêt dans la Rev. intern. dr. pén. 1927. p. 326 et s.; V., sur l'affaire: Donnedieu de Vabres, l'affaire du Lotus et le droit pénal international: Rev. dr. inter, 1928, p. 135 et s.; Gidel, le droit international public de la mer, t. Ier, 1932, p. 257 ets.

لحظه ای که یکی از این گونه جرائم یا عناصر تشکیل دهنده آنها در خاک فرانسه انجام شوند پذیرفته است.

د - جرائم ترك فعل

رویه قضائی فرانسه همچنین این گونه جرائم را بصورت جرائمی که بعلمت عدم رعایت الزامات لازم الرعایه در خاک فرانسه ارتکاب یابند پذیرفته است.

ب - جرائم مستمر و جرائم بعادت

رویه قضائی فرانسه خواسته است این جرائم را از لحظه ای که بعضی از عناصر تشکیل دهنده آنها در خاک فرانسه ارتکاب شوند در صلاحیت محاکم فرانسه بدانند ولی این سؤال مطرح است که آیا قاضی فرانسوی برای ارزشیابی و ردیابی و توجه اتهام از کلیه عناصر مادی مشکله که در چند محل ارتکاب یافته اند باید استفاده و آنها را در نظر گیرد یا بالعکس فقط قدرت و سلطه این قاضی محدود به اعمال ارتکابی در محدوده سرزمین فرانسه باید باشد، اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی بطور منطقی رهنمون قاضی است و چنین مقرر میدارد: قاضی باید فقط توجه به اعمال مادی ارتکابی در کشور خود داشته و نسبت به اعمال ارتکابی که در خارج از سرزمین او ارتکاب یافته صرف نظر و آنها را نادیده بگیرد این راه حل که از نقطه نظر دفاع اجتماعی نامعقول است موجب خواهد شد که در بعضی موارد مجازات جرائم بعادت با اینکه مجموعه اعمال ارتکابی مشابه آنها در خارج ارتکاب یافته بدون مجازات بماند و بهمین دلیل هم مصنفین مقاله نامه های بین المللی اغلب مجبور شده اند که از این رویه صرف نظر و آنرا نپذیرند. مثلا در کشور ما (فرانسه) از این رویه چنین نتیجه گیری شد که با اجرای قرارداد های ۱۹۰۲-۱۹۱۰ در مورد جرائم داد وستد زنان سفید پوست ماده ۳۲۴-۱ قانون جزا که ناظر به جنحه های قوادی است (در بند سوم) چنین مقرر میدارد «این مجازات ها حتی موقعی هم که اعمال مختلفه ارتکابی از عناصر تشکیل دهنده جرائمی باشند که در کشورهای مختلفه ارتکاب یافته باشند جاری است».

ج - شروع بجرم

رویه قضایی صلاحیت دادگاه های فرانسه را برای قبول شروع بجرم جنایات و یا جنحه ها وقتی پذیرفته که بتوان یکی از عناصر تشکیل دهنده شروع بجرم را به سرزمین فرانسه منتسب نمود.

اشکالی که از هنگام به‌اجراء درآمدن (ماده ۶۹۳) قانون آئین دادرسی جزائی پیش آمده.

الف - موضوع اساسی

قانون آئین دادرسی جزائی در ماده ۶۹۳ اعلام میدارد «هر عملی که معلوم شود آن عمل از عناصر تشکیل دهنده جرمی بوده و در خاک فرانسه ارتکاب یافته، ارتکاب شده در خاک فرانسه محسوب میشود» در اصل عموماً این راه‌حل‌هایی است که رویه قضائی از لحاظ تجربی بنفع صلاحیت محاکم فرانسه ایجاد کرده و منبسط دادگاههای فرانسه قادرند:

- ۱- موقعیکه متن قانونی خاص برای شناسائی جرم بمادتی که بتوان ارتکاب آن را در خاک فرانسه محسوب نمود موجود نباشد در این صورت موقعیکه یکی از عناصر آن در فرانسه انجام یابد ارتکاب یافته در خاک فرانسه محسوب است.
- ۲- برای کلیه جرائم مرکب (مختلط) راه‌حل‌های توسعه یافته‌ای که در رویه قضائی در مورد کلاه‌برداری موجود است تسری داده شود.
- ۳- نسبت به جرائم بسیط و جرائم آنی در موقعیکه اختلاف بین صلاحیت محل وقوع جرم و صلاحیت محل هدف جرم و صلاحیت محل نتیجه حاصله از جرم موجود است در هر مورد خود را قانوناً صالح میدانند.

ب - اشکالاتی که در عمل پیش می‌آید

۱- روشی که در ماده ۶۹۳ اتخاذ گردیده اصل سرزمینی بودن را تقویت نموده متأسفانه این قانون بیشتر از بررسی متوالی و مسائلی که بتوان جرائمی را که دارای يك عنصر خارجی بوده و آنرا به سرزمین ملی منسوب دارد الهام گرفته بدین معنی که به مقتضیات و همکاری قضائی بین‌المللی توجه ننموده است و اگر دستگاههای قضائی و دادگاههای خارج هر کدام راه‌حل‌های مشابه و مقارنی اتخاذ کنند در این صورت است که اختلافات واقعی و مسلم محاکم و قانونگذارها به‌چندین برابر افزایش می‌یابد.

۲- ناراحتی از این است که رویه قضائی با توسل به منتسب نمودن جرائم به محل‌های فرضی برای خود صلاحیت فوق‌العاده وسیع ملی قائل شود.

۳- اجرای این روش بوسیله رویه قضائی

شروع به‌اجراء و استناد بماده ۶۹۳ جهش تازه‌ای به رویه قضائی داده که این جهش فوق‌العاده به سود وسعت صلاحیت دادگاههای فرانسوی است چون قضات با اجرای ماده ۶۹۳، در موارد و فروض مختلف و متفاوت بخصوص در مورد جرائم مربوط به قانون چکهای که در فرانسه بمعهده بانکهای خارجی صادر شده یا چکهایی که در خارج از فرانسه بمعهده بانکهای فرانسوی صادر شده‌اند صلاحیت

وسیمی برای محاکم فرانسه قائل شده‌اند و باید ترس از گسترش فوق‌العاده زیاد صلاحیت داخلی بسرعت مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مثلاً شعبه جزائی دیوان کشور فرانسه رای صادره از دادگاه شهر اکس (Aix) را که درباره شخصی که در لوزان (سوئیس) چکی بلامحل بمهده یکی از بانکهای فرانسه کشیده با اینکه این چک بطور امانت و به‌عنوان تضمین صادر شده و در سوئیس مانده و هرگز برای وصول به بانک محال علیه برده نشده یعنی اساساً از خاک سوئیس خارج نشده بطوریکه در این دعوی ملاحظه میشود که تمام اعمال جرم- آمیز در خارج از فرانسه انجام شده معیناً رویه قضائی فرانسه خود را برای رسیدگی به دعوی چک بلامحل صالح دانسته بنظر دادگاه برطبق ماده ۶۹۳ نبودن محل در یک بانک فرانسوی خود ایجادکننده یک رفتار جرم‌آمیز است.

۲- در مورد دیگری دادگاه جنحه شهر اکسر (Auxerre) چنین رای داده است «استفاده متقلبانه از وسیله نقلیه‌ای که بوسیله متهمینی که تابعیت کشور بلژیک را داشته‌اند ربوده شده و سپس توسط متهمین یاد شده بنخاک فرانسه برده شده و آنها در سرزمین فرانسه دستگیر شده‌اند آمدن آنها بنخاک فرانسه موجب شده که برطبق ماده ۶۹۳ جرم سرقت را بنخاک فرانسه بکشانند یعنی جرم سرقت را بنخاک فرانسه انتقال داده‌اند این رای که فوق‌العاده اعتراض‌آمیز است موجب شد که جرم سرقت را جرم مستمر محسوب دارند با این وصف اغلب این محاکم در تصمیمات خود از قبول صلاحیت فوق‌العاده خودداری میکنند.

«دنباله دارد»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابخانه تخصصی حقوق

کتابخانه تخصصی حقوق

کتابخانه تخصصی حقوق